

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۱ اکتوبر ۲۰۲۲

سابقه و جایگاه مهم سیاسی و اجتماعی شعار «زن، زندگی، آزادی»

«زن، زندگی، آزادی»، یک شعار مهم سیاسی و اجتماعی است. این شعار نخستین بار توسط زنان مبارز کرد در کردستان ترکیه، سر داده شد و سپس به روزه‌اوا (کردستان سوریه) کشیده شد. بنابراین این شعار برای خود، تاریخ و سابقه معین و مشخصی دارد.

این شعار نخستین بار در ایران، در مراسم تدفین مهسا امینی (ژینا) در گورستان آچی شهر سقز و سپس در اعتراضات شهر سنندج پس از مراسم تدفین سر داده شد و سرانجام این شعار به اعتراضات دانشجویان در دانشگاه تهران و پس از آن به اعتراضات سایر شهرهای ایران در روزهای بعد نیز راه یافت. البته برخی‌ها به شکل مزورانه و ارتجاعی در مقابل شعار «زن، زندگی، آزادی»، شعار ارتجاعی مردسالار و شوونیستی نیز سر داده‌اند.

«مرد، میهن، آبادی!!»

جمع کنید بساط این شعبده‌ی یاوه‌ی «مرد، میهن، آبادی» را، جنبش آزادی‌خواهی-برابری‌خواهی-رهای‌خواهی مردم ما را به گند این‌گونه شعارها پوک و بی‌معنی نیالایید: بگذار مردم بی‌بخند برخیزد! (اکبر معصوم بیگی) در پی گسرس اعتراضات ایرانیان به سایر شهرهای جهان، تجمعاتی در شهرهای مختلف برگزار شد و معترضان در این تجمعات نیز از شعار «زن، زندگی، آزادی» استفاده کردند. در پی اعتراضات گسترده ایرانیان در سطح جهان، روزنامه فرانسوی لیبراسیون نیز این شعار را در صفحه نخست شماره ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲ خود به‌همراه ترجمه فرانسوی آن و تصویری از اعتراضات مردم در ایران به چاپ رساند.

جنبش آزادی‌بخش کردستان تحت تاثیر اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عبدالله اوجلان (آپو)، رادیکال‌ترین جنبش مبارزه آزادی زنان است. اوجلان زن را به‌عنوان اولین انسان به اسارت گرفته شده در تاریخ معرفی کرده و پس از آن که ایدئولوژی آزادی زن را در سال ۱۹۹۸ ارائه نمود و گفت: «تا زن آزاد نشود، جامعه آزاد نخواهد شد.» شعار «ژن، ژیان، نازادی» نخستین بار توسط زنان مبارز کرد ترکیه و روزه‌اوا سر داده شد و به شعاری مورد استفاده در سایر تجمعات و اعتراضات در سطح جهان تبدیل شد. به‌گونه‌ای که در سال ۲۵ نوامبر ۲۰۱۵، در تجمعاتی که به مناسبت روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان در چند کشور اروپایی برگزار شد، از این شعار استفاده شد.

یکی از سه محور اساسی فلسفه اوجالان و پ.ک.ک «رهای زن» و اصولا چارمجویی برای رهایی زنان است. در متون انگلیسی از آن عمدتاً با women emancipation یاد می‌کنند و گاه از جنبش روژاوا به‌مثابه جنبشی مترادف با «رهای زن» نام می‌برند.



یادآوری انقلاب روژاوا و بهره‌گیری از تجارب ارزنده آن در مبارزات کنونی مردم ایران، به‌ویژه زنان، بسیار حائز اهمیت است. ورزشگاه ۱۲ مارس در سال ۲۰۰۴، ۳۲ شهروند کرد پس از یک مسابقه فوتبال در آنجا، توسط ناسیونالیست‌های عرب کشته شدند. پس از این کشتار، قیام کردها در گرفت که سراسر شمال سوریه را فرا گرفت و حتی به حلب و دمشق نیز سرایت کرد.

در سال ۲۰۱۲، در جریان جنگ داخلی سوریه، مردم شمال شرق سوریه موفق به ایجاد ساختارهای شورایی خودگردان شدند. آن‌ها با پیشگامی زنان و مشارکت بسیاری از اقشار مختلف مردم، به دفاع از خود و آزادسازی مناطق از چنگ شبه‌نظامیان جهادی «دولت اسلامی» (داعش) پرداختند. آن‌ها برای شیوه زندگی جایگزین خود بر اساس اصول کنفدرالیسم دموکراتیک مبارزه کردند.

در واقع اگر انقلاب روژاوا هنوز به‌عنوان یک تجربه الهام‌بخش برای مردم جهان و برای زنان به‌ویژه مردم خاورمیانه است. زنانی چون شیلان کوبانی، آرین میرکان، اوستا ژابور، هورین خلف و زهرا برکلر، جان خود را فدای راه آزادی و انقلاب کردند تا از هرگونه تبعیض و ستم ملی و مردسالاری و طبقاتی رها شوند. اکنون جان‌باختن مهسا، عاملی شد تا جرقه‌های انقلاب ایران نیز زده شود. نام ژینا امینی به سرعت از مرزهای ایران و خاورمیانه فراتر رفت و جهانی شد. اکنون بیش از صد میلیون بار نام او در جهان تکرار شده است.

«روژاوا» در زبان کردی به‌معنای غرب است و به آن‌چه کردها بخش غربی نقشه کردستان می‌دانند اشاره دارد: محدوده‌ی جغرافیایی کانتون‌های روژاوا شامل شمال و شمال شرق سوریه که جمعیت‌اش ترکیبی از کرد، عرب، آشوری و ترکمن‌های سوریه است. منطقه خودگردان روژاوا در سال ۲۰۱۲ بعد از آغاز اعتراضات در سوریه علیه دولت بشار اسد و پس از خروج نیروهای دولت مرکزی از استان‌های کردنشین شمال سوریه اوج گرفت و به پروزی رسید.

پس از آغاز اعتراضات سال ۲۰۱۲ سوریه در شمال و شمال شرق این کشور، سه منطقه «خودگردان» اعلام موجودیت کردند به اسم‌های جزیره، فرات و عفرین. این سه منطقه فدرال بعدها در شکل مدیریتی آن‌جا به‌عنوان «کانتون» شناخته شد و تبدیل به شش کانتون حسکه، قامشلو، تل ابیض (گری سپی) و عفرین، کوبانی و شهبه شد.

بسیاری از ساکنان این مناطق کرد نیستند و حتی در برخی مناطق کردها اکثریت را ندارند اما سیستم اداره شورایی و دموکراسی مستقیم این مناطق بر مبنای شیوه‌ای است که این منطقه را در میان جنگ و وحشت به یک جزیره ثبات تبدیل کرده و سنگری برای همه نیروهای چپ و سوسیالیست منطقه و جهان محسوب می‌شود.



«روژاوا» یا «روژاوا»، به معنای غرب است و به کردستان سوریه، یا آنچه کردها غرب کردستان می‌نامند اشاره دارد. گفته می‌شود در این منطقه حدود تا چهار میلیون کرد و غیره زندگی کنند که حدود ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر آن‌ها پناهنده‌اند و از مناطق جنگ‌زده سوریه به آن‌جا پناه برده‌اند.

در سال ۲۰۱۲، پس از خروج نیروهای دولتی مرکزی از استان‌های کردنشین شمال سوریه، این مناطق تحت کنترل نیروهای کرد در آمد. مناطق آزاد شده کانتون خوانده شدند. کانتون یک نوع بخش‌بندی کشوری کوچک است که در این‌جا بخشی از کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال و شرق سوریه به حساب می‌آید.

یکی از این کانتون‌های معروف کنفدراسیون‌های دموکراتیک شمال سوریه کوبانی است که مقاومت اهالی آن مقابل داعش حمایت و شهرتی جهانی یافت. در آن زمان سیستم سیاسی کردستان سوریه با عنوان خودمدریتی دموکراتیک «روژاوا» شناخته می‌شد.

مبنای روابط اجتماعی و قانونی در «روژاوا» به یک قرارداد اجتماعی مرتبط است و اداره جامعه در «روژاوا»، به شیوه خودمدریتی دموکراتیک و از کوچکترین جوامع محلی آغاز می‌شود.

اما آنچه امروز فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه و شرق سوریه خوانده می‌شود بر مبنای قراردادی است که از به هم پیوستن سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین ایجاد شد.

در اواسط مارس ۲۰۱۶ هیات‌های هماهنگی خودگردانی‌های دموکراتیک همه کانتون‌های روژاوا (کردستان سوریه) به نمایندگی از کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها، و ترکمان‌ها در شهر رمیلان در شمال سوریه جمع شدند. نتیجه این اجتماع، تشکیل یک مجلس موسسان ۳۱ نفره و اعلام تاریخ برای برگزاری اولین انتخابات بود.

برای این مجلس موسسان ریاست مشترک دو نفره یک مرد و یک زن تعیین شد. از آن پس ریاست واحدهای سیاسی همیشه دو نفره است که یک زن و یک مرد را شامل می‌شود.

بر اساس قرار داد اجتماعی «روژاوا»، فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه خود را متعهد به سه معیار اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زنان می‌داند.

منع چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه به‌شدت سنتی و اسلامی، از جمله پیشرفت‌هایی است که با اجرای کنفدرالیسم دموکراتیک رخ داد.

آموزش و به کارگیری تمام زبان‌های موجود در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی از دیگر موضوعات مورد تاکید در قرارداد اجتماعی «روژاوا» است.

هر کانتون روژاوا، از انجمن‌های محلی، شهرک‌ها و ناحیه‌ها تشکیل می‌شود که آن‌ها هم انتخابات خودشان را دارند. بر اساس آنچه در روژاوا اعلام شده است انتخابات متعددی برای اعضای شهرداری‌ها و انجمن‌های محلی و کنگره دموکراتیک خلق‌ها وجود دارد.

محدوده جغرافیایی کانتون‌های روژاوا شمال و شمال شرق سوریه است که از عفرین تا نزدیکی‌های مرز ابوکمال اعلام شده بود. به‌نظر مدافعان ایده خودگردانی و کنفدرالیسم دموکراتیک این شیوه برای مناطقی که از نظر جغرافیای سیاسی اتحاد ندارد و پراکنده‌اند، بسیار کاربردی‌تر از سیستم‌های تمرکزگرا است، چرا که قادر است عناصر ناهمگن را گردآورد و در ساخت سیاسی مشارکت دهد.

نیروهای دموکراتیک سوریه ائتلافی از نیروهای کرد، ترکمن، آشوری و عرب است. با این حال، به مرور کردهای سوریه خود را در دو تشکل اصلی یگان‌های مدافع زنان (ی.پ.ژ) و یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) سازماندهی کردند. این دو نهاد شبه‌نظامی اما بعدها ستون فقرات گروهی بزرگ‌تر شدند که به نیروهای دموکراتیک سوریه (اس دی اف) شهرت یافتند.

در اوت ۲۰۱۴ نیروهای «ی پ گ» در جنگی خونین راهرویی را از قلب مناطق تحت کنترل داعش در سوریه به کوهستان محاصره شده سنجار باز کردند.

شایان ذکر است که این نیروها در دوران جنگ با داعش بیش از ۱۱ هزار جان‌باخته دادند.

فدراسیون شمال سوریه در بیانیه اعلام موجودیت خود گفت قصد جدایی از سوریه را ندارد.

آن‌ها همچنین خود را منتقد جریان‌های ناسیونالیست و ناسیونالیست کرد می‌دانند.

تشکیلات خودگردان شمال و شرق سوریه، همچنین بارها تاکید کرده که درصدد تشکیل یک دولت-ملت کرد نیست و تنها خواهان دموکراتیک شدن سوریه است

آن‌ها این شیوه مدیریتی را بر اساس روش خودمدیریتی دموکراتیکی تعریف می‌کنند که عبدالله اوجالان رهبر زندانی پ.ک.ک در «جلد دوم مانیفست تمدن دموکراتیک» پیشنهاد داده است.

مجله اشپیگل سال ۲۰۰۴، عنوان مصاحبه خود با آقای اوجالان را از حرف‌های او برگرفت و نوشت: «خداحافظ دولت کرد.»

اوجالان می‌گوید سیستم سیاسی پیشنهادی او، یعنی کنفدرالیسم دموکراتیک، ریشه در تاریخ مردم کرد دارد که هرگز دولتی نداشته‌اند.

نکته جالب در خصوص اجرای پیشنهاد سیستم سیاسی اوجالان در سوریه این بود که او خود وقتی به ناچار از ترکیه فرار کرد به عفرین در سوریه رفته بود. اوجالان معتقد است این شکل از خودگردانی، می‌تواند الگویی برای خاورمیانه باشد.

این نزدیکی به ایده‌های عبدالله اوجالان و همچنین فعالیت حزب اتحاد دموکراتیک در مناطق کردنشین سوریه در سال‌های اولیه اعتراضات سوریه، از جمله دلایلی است که ترکیه ادعا می‌کند نیروهای کرد سوریه و متحدان محلی و منطقه‌ای آن، وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) هستند. در صورتی که حزب اتحاد دموکراتیک روژاوا یک حزب مستقل است و اهداف و برنامه و رهبری مستقل خود را دارد اما این حزب از تزاها و تئورری‌های اوجالان دفاع می‌کند و متاثر از آن است.

اما اداره خودگردانی شمال و شرق سوریه این ادعا را رد می‌کند.

وضعیت کردهای سوریه چگونه بود؟

لازم به یادآوری است که سوریه در دهه ۶۰ میلادی، سیاست‌هایی را پیش گرفت که به جابه‌جایی اجباری کردها و همچنین تغییر ترکیب جمعیت منتهی شد. این سیاست دولت سوریه به «کمر بند عربی» مشهور است. بنابر این طرح، دولت سوریه شماری از اقوام عرب، کلدانی و آسوری را در مناطق کردنشین کشور مستقر کرد. دولت سوریه، همچنین ده‌ها روستا را اشغال و تابعیت ده‌ها هزار نفر از کردها را لغو می‌کند. جمعیت سلب تابعیت شدگان بیش از ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود.

دولت سوریه در آن زمان با سلب تابعیت از بیش از ۱۰۰ هزار کرد برای آن‌ها «کارت اجانب» صادر می‌کند. روژاوا خود را متعهد به سه معیار اکولوژیک، دموکراتیک و آزادی زنان می‌داند، و به صورت شورایی به مسئولیت دو نفر، یک مرد و یک زن اداره می‌شود. چندهمسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه ممنوع است و این از پیشرفت‌های بزرگ انقلاب زنان روژاوا محسوب می‌شود.

طرد ساختارهای مردسالارانه در جامعه‌ای سنتی و پر تبعیض علیه زنان، کاری بسیار دشوار و انقلابی بوده است. تا پیش از انقلاب زنان روژاوا، زنان کرد وقتی می‌خواستند چرخه سنتی خانواده را ترک کنند، اغلب به نیروهای چریکی کرد به ویژه به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) می‌پیوستند، و خود را وقف مبارزه برابری خلق کرد می‌کردند. اما با شکل گرفتن انقلاب زنان، امکان دیگری برای زندگی آزاد زنان به دست آمده که اساس آن معیارها و ارزش‌های زن‌محور و مساوات‌طلبانه است. آن‌ها با آموزش و تمرین برای شکل جدیدی از زندگی آماده شده‌اند و با آگاهی سرنوشت خود را انتخاب کرده‌اند.

در سال‌های اخیر زنان روژاوا توانسته‌اند در دل جنگ و ناآرامی جایگاه اجتماعی خود را در تمامی زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به دست آورند و انقلاب زنان روژاوا به یک جنبش فمینیستی تبدیل شده که توانسته توجه بسیاری از نهادهای فمینیستی در سراسر دنیا را به خود جلب کند.

طرح دهکده ژنوار در دهم مارس سال ۲۰۱۷ و پس از جشن روز جهانی زن به کمک چند نهاد و سازمان بین‌المللی فعال در زمینه حقوق زنان آغاز شد. ژنوار که بخشی از این انقلاب است برای تحقق بخشیدن به ساخت جامعه‌ای آزاد تلاش می‌کند. هدف اولیه آن که در کوتاه‌مدت پناه دادن به زنان درگیر آسیب‌های جنگی و خشونت بود در بلندمدت به مبارزه زنان برای برابری جنسیتی و آگاهسازی آن‌ها درباره نقش‌شان در اجتماع تبدیل شد.

ابتدا ۳۰ واحد مسکونی برای اقامت زنان و امکانات باغداری برای آن‌ها ساخته شد، و بعد با احداث مدرسه برای کودکان، آکادمی زنان، مرکز فرهنگی و هنری شامل سینما و سالن نمایش، استخر، کلینیک بهداشتی، یک مرکز سلامتی با تکیه بر طب سنتی و گیاهی، فروشگاه محصولات ارگانیک، نانوايي، و تسهیلات دآمداری تکمیل شد.

خانه‌ها همه یک‌طبقه ساخته شده‌اند، و باغی در محوطه ورودی دارند. مرکز دهکده یک سالن اجتماعات دارد، و آلاچیق‌هایی در اطراف آن در میان باغ برای دیدارهای روزانه ساخته شده است. ژنوار در بیستم نوامبر ۲۰۱۸ و

همزمان با روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان درهای خود را به روی زنان جهان باز کرد و هر چند هنوز مراحل ساخت‌وساز دهکده به‌طور کامل پایان نیافته بود اما کمیته سیاست‌گذاری یا هماهنگی اعلام کرد که درخواست‌های زیادی از سوی زنان برای اقامت در ژنوار دریافت کرده است.

کمیته سیاست‌گذاری ژنوار برای خودکفایی اقتصادی دهکده‌ی زنان تصمیم به ایجاد پروژه باغداری عمومی در ژنوار گرفت. در این پروژه زنان از طریق فروش محصولات باغ‌ها و همچنین تولید سبزی و میوه‌ی خشک و گیاهان دارویی می‌توانند از نظر اقتصادی مستقل باشند.

سیاست‌های دولت بشار اسد برای تک‌محصولی کردن منطقه با کشت گندم و همچنین صنعتی کردن کشاورزی از یکسو و سدسازی‌های دولت ترکیه برای قطع جریان آب از مرز این کشور به سوریه، از دلایل مهم ایجاد پروژه باغداری بود زیرا زنان در ژنوار آن را بخشی از مبارزه و مقاومت‌شان می‌بینند. به نظر آن‌ها، این اقدام می‌تواند الگوی مناسبی در جهت تولید پایدار و مرتبط با طبیعت برای تغییر الگوی کشاورزی در منطقه و احیای زمین باشد.

کارهای روزمره، همچون آشپزی و نانوايي و حتی کار در مدرسه و آکادمی ژنوار، امور خبرگزاری و دیپلماسی، همه به صورت مشارکتی انجام می‌شود و در آن هر زن بر اساس توانایی و خواست خود مسئولیتی را بر عهده می‌گیرد.

بنابراین، می‌توان گفت که ژنوار جامعه‌ای متشکل از زنان است و سیستم اداره آن همچون دیگر کمون‌های روژاوا به‌صورت دموکراتیک و شورایی است و هرکس در آن بسته به میزان توانایی‌هایش نقش اجتماعی خود را می‌پذیرد.

زنان در ژنوار بر این عقیده‌اند که با تلاش دسته‌جمعی زنان داوطلب کرد، عرب، ارمنی، ترکمن و آشوری توانسته‌اند زمین برهوت و خالی از سکنه را به دهکده‌ای سبز و آباد تبدیل کنند، و هر که در این دهکده قدم می‌گذارد می‌تواند زندگی آزاد را که حاصل مشارکت است تجربه کند، و هویت مدیریت و خودگران زنان را ببیند.

زنان ژنوار آزادند هر موقع خواستند به دیدار خانواده و دوستان خود در خارج از دهکده بروند و همچنین میزبان آن‌ها در ژنوار باشند. تنها قانون مربوط به اقامت در ژنوار مربوط به اقامت شبانه مردان است که در ژنوار مجاز نیست.

زنان در ژنوار موظف‌اند که برای گذراندن واحدهای آموزشی در آکادمی حضور یابند تا از این طریق به‌صورت مستمر در حال آموزش و یادگیری باشند و این سیستم تا زمانی که آن‌ها احساس کنند برای بازگشت و حضور در جامعه آماده هستند ادامه خواهد داشت. اعضای کمیته آموزشی ژنوار معتقدند که با استفاده از این روش زنان قادر خواهند بود خود و توانایی‌هایشان را کشف کنند و با آگاهی از این توانایی‌ها و اعتماد به نفس لازم، در یافتن راه‌حل‌های درست در زمان مواجهه با مشکلات، موفق‌تر عمل کنند.

تفاوت اساسی ژنیولوژی با رشته‌های آکادمیک مشابه که در سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی تدریس می‌شود، تأکید بر وجهه عملی مباحث نظری است. به اعتقاد اعضای کمیته آموزشی ژنوار، دانش و حقیقت باید در زندگی اخلاقی تمرین شود و نمود عملی بیابد. در این دوره‌ها مدرسان تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از تاریخ مقاومت زنان گزینه‌های عملی مقاومت در اغلب زمینه‌ها را در قالب واحدهای درسی تدوین کنند. بر همین اساس، ژنیولوژی با طرح مباحثی همچون زنان و اخلاق، زنان و اقتصاد، زیبایی‌شناسی، جمعیت‌شناسی، بهداشت و سلامت، زنان و تاریخ، بوم‌شناسی، آموزش سیاست و ... پایه تدریس علوم زن محور را برای زنان ژنوار فراهم آورد.

به عقیده دست‌اندرکاران و بنیان‌گذاران ژنوار، مبارزه برای آزادی جنسیتی زنان محتاج زیرساخت‌های اساسی فرهنگی و اجتماعی جامعه است و پیش از هر چیز از طریق و خودآگاهی آگاه‌سازی زنان امکان‌پذیر است. به همین دلیل، ژنوار با ایجاد جامعه‌ای امن و آزاد برای زنان سعی دارد از طریق تعمیق دانش و اعتماد به نفس آن‌ها را در بازیابی حقوق‌شان یاری کند. بخش عمده‌ای از اعتماد به نفس و ابتکارات و آزادی‌های فردی این زنان در طی سال‌ها

زندگی در جوامع مردسالار سرکوب و در بسیاری از موارد به دلیل نداشتن شغل و استقلال مالی هرگز قادر به ایجاد پایگاه اجتماعی مستقل برای خود نبوده‌اند. اما امروز این زنان در ژنوار و شرکت در فعالیت‌های جمع‌نظری و عملی از ساخت مشترک خانه‌هایشان گرفته تا شرکت در انجمن‌های آکادمی ژنوار و با بحث و گفت‌وگو پیرامون مسایل و موضوعات روز دنیا در کنار آموزش مربوط به شناخت خود در حال برقراری ارتباط با خلاقیت‌هایشان هستند. آن‌ها بر این باورند که درد مشترک دارند و راحل‌شان نیز مشترک است.

در پایان تاکید می‌کنم که زنان روزاوا «زن، زندگی، آزادی» را به نماد زندگی و آزادی زنان تبدیل کرده‌اند. این زنان در بنبوجه جنگ، با فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و نظامی جسورانه و خلاق‌شان، نشان داده‌اند که خواهان آرامش، امنیت، آزادی و زندگی عاری از تبعیض و ظلم و خشونت نه تنها برای زنان، بلکه برای کل جوامع بشری هستند. در واقع زنان انقلابی از ترکیه و شمال کردستان تا ایران که انقلاب روزاوا را انقلاب خود و مبارزه برای آزادی همه خلق‌های تحت ستم خاورمیانه می‌دانند. با سپاس فراوان از زنان انقلابی از سراسر جهان و مهسا امینی و خانواده‌اش که سیاسی‌ترین نمونه همبستگی انترناسیونالیستی را نشان دادند. ما از آرمان‌های انقلابی جاودانه‌های خود که جان خود را برای زنده نگه داشتن انقلاب به خطر انداختند و یا در این راه جان باختند، همیشه محافظت خواهیم کرد و همیشه یادشان را گرامی خواهیم داشت.

شکی نیست که دیر یا زود حکومت اسلامی ایران را سرنگون خواهیم کرد و بلافاصله به یاری زنان در حال مبارزه منطقه و جهان خواهیم شتافت و ایران را به سنگر و دژ محکوم و نفوذناپذیر انقلابیون جهان و مرکز همبستگی و انترناسیونالیستی جهان تبدیل خواهیم کرد.

آزادی، به‌ویژه آزادی زن، شاید بزرگ‌ترین دغدغه انسان است و از گذشته تا به امروز، از جمله شاعران زیادی در این باره شعر سروده‌اند. آزادی نه تنها مسئله‌ای فردی، که موضوعی اجتماعی و همگانی است و تحلیل‌گران و محققین با تحلیل‌ها و تفسیرها و تحقیقات علمی خود و شعرا با سرودن شعر درباره رهایی زن، و به‌طور کلی فلسفه آزادی، همواره این خواسته و نیاز بشر را در جامعه زنده می‌کنند. اما نهایتاً جنبش‌های اجتماعی - سیاسی است که با جانفشانی‌ها، قربانی‌دادن‌ها، تحمل زحمات و مشقات بی‌شمار، سرانجام با انقلاب خود آزادی، آگاهی، برابری، عدالت اجتماعی و رفاه عمومی را در جوامع مختلف متحقق می‌سازند و و بنیادی برای تولد دوباره پی می‌افکند!!

خیز از جای پی آزادی خویش خواهر من ز چه رو خاموشی

خیز از جای که باید زین پس خون مردان ستمگر نوشی

کن طلب حق خود ای خواهر من از کسانی که ضعیفت خواندند

از کسانی که به صد حيله و فن گوشه‌خانه تو را بنشانند

«فروغ فرخزاد»